

نه «آقا فتحعلی حجاب» و نه «میرخلیل قلندر»

(نظری دیگر به مرقع ۷۴۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

محمدرضا عموزاد مهدیرجی*

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مرقعی به شماره ۷۴۹ نگه‌داری می‌شود که مشتمل بر چندین چلیپاست و به نام خوشنویس شهیر عهد قاجار، آقا فتحعلی حجاب شیرازی به ثبت رسیده است. استاد امیراحمد فلسفی در مقاله‌ای با عنوان «مرقع آقا فتحعلی یا میرخلیل قلندر» که در شماره پیشین نامه بهارستان (۱۳۸۶-۱۳۸۷، دفتر ۱۳-۱۴: ۱۱۹-۱۲۶) منتشر شده است، بر اساس شباهت‌هایی که میان چلیپاهای مندرج در مرقع با خطوط میرخلیل قلندر (خلیل‌الله حسینی) یافته‌اند، مرقع مزبور را به میرخلیل منسوب دانسته‌اند. در آن مقاله، یکی از چلیپاهای میرخلیل قلندر ترازوی سنجش خطوط قرار گرفته و بر اساس مقایسه ویژگی‌های مشترک، خطوط مرقع بالا به وی منتسب گردیده است.

استاد فلسفی با جستجو و کنکاش در چلیپای میرخلیل قلندر و مرقع کتابخانه مجلس وجوه تشابه خطوط را یافته و با ارائه استناداتی آنها را اثر یک خوشنویس پنداشته‌اند. اگر این ادله که بر پایه مشاهده و مقایسه صورت پذیرفته، شرط لازم و کافی جهت منسوب نمودن یک یا چند قطعه خط به شخص یا اشخاصی باشد جای هیچ بحث و تردیدی باقی نمی‌ماند، اما اگر بتوانیم سطح مشاهدات و استنادات خود را به مدد رایانه و بررسی دقیق از طریق نرم‌افزارهای موجود بالا ببریم، به نتایج متفاوتی می‌رسیم که با آنچه چشم غیر مسلح درک می‌کند متفاوت است. بنده بر این پندارم که جهت مقایسه یک اثر خوشنویسی با خطوط دیگر و یافتن رابطه‌ای منطقی و مستند میان آنها، رعایت برخی موارد سبب اعتبار بخشیدن به نتایج حاصله خواهد شد، از جمله:

الف. جهت تطبیق و مقایسه یک اثر با دیگر آثار یک خوشنویس و رسیدن به جوابی مستدل، استفاده از آثار متعدد آن هنرمند بسیار کارگشا است.

ب. در دست داشتن خطوط مختلف از دوره‌های گوناگون زندگی هنری یک خوشنویس سبب می‌شود تا در بررسی‌های صورت گرفته، نمونه خط‌های خام و پخته مورد مقایسه قرار گیرد.

ج. نظر ارائه‌شده در صورتی دقت بالایی خواهد داشت که اصالت خط معیار درست و صحیح باشد و هیچ تردیدی در باب امضای اثر وجود نداشته باشد، یعنی از خطوط مجعول و منسوب استفاده نشود. در غیر این صورت داوری و قضاوت صورت پذیرفته منوط به فرضیات خواهد بود و حالت نسبی به خود می‌گیرد.

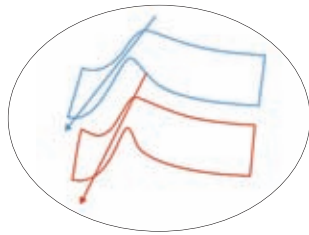
در مسیر مقایسه تطبیقی چلیپای میرخلیل قلندر و مرقع کتابخانه مجلس، مواردی بیان شده که با دقت و نکته‌سنجی خاصی از نگاه مؤلف گذشته و شباهت‌های میان آنها استخراج شده است. این دقت نظر از نگاه نگارنده قابل ستایش بود و مرا ترغیب کرد تا این موارد را به مدد رایانه مورد بررسی قرار دهم؛ که نتایج حاصله از آن به شرح زیر می‌باشد.**

در بند «الف»، دو کلمه «بسیار» و «شایسته» مورد بررسی قرار گرفته است. در قسمت انتهایی بند «الف» چنین می‌خوانیم: «محل اتصال کشیده «سین» به «ت» در قسمت بالا تیز و خشک شده (۴) و در قسمت پایین (۵) با زاویه تنگ اجرا شده و در هر دو نمونه یکسان است».

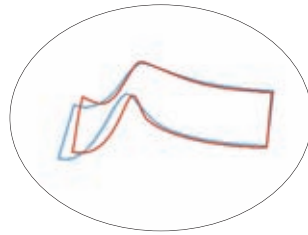
هنگامی باید از واژه «یکسان» استفاده کرد که دو اتصال کاملاً شبیه به هم باشند و اگر آنها را روی هم قرار دهیم بر هم منطبق شوند، حال آنکه در اینجا عملاً چنین نیست. با بزرگ‌نمایی دو اتصال مشخص می‌شود که در بالای اتصال «سین» به «ی» در کلمه «بسیار» قوس بیشتری وجود دارد و در کلمه «شایسته» زاویه‌ای

* خوشنویس، کارشناس ارشد ارتباط تصویری. ** با سپاس از استادانی که در جمع‌آوری و نگارش این یادداشت مرا یاری دادند.

شکسته را شاهد هستیم؛ حال می‌توان تشخیص داد که ضمن متفاوت بودن زاویه قلم در این قسمت، فضای زیرین این دو اتصال نیز با هم متفاوت است:



■ ت ۱ ب: رنگ قرمز از مربع مجلس است.



■ ت ۱ الف: رنگ آبی از قطعه کریم‌زاده است.

در ادامه بند «الف» این گونه آمده است: «در دو کلمه «ندانست» در قطعه چلیپا و «دست» در مربع نیز شیب کشیده‌ها (۱) و محل فرود آن روی مسطر که در قسمت انتهایی آن است (۲) کاملاً شبیه یکدیگر است». در بررسی بعدی، محل فرود کشیده‌ها از جمله کشیده‌های تخت و دوایر مورد دقت قرار گرفت و در برخی موارد، مغایرت‌هایی مشاهده گردید که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.*

در بند «ب» و بند «ه»، زاویه «الف» های منفرد و حرف «لام» نسبت به خط کرسی بیان شده است. گام اول در این بررسی، ترسیم خط زمینه است تا زاویه این حروف نسبت به آن سنجیده شود. اگر مسطری که کاتب برای اثرش تعریف کرده مشخص باشد، نتایج حاصله کاملاً درست خواهد بود. در غیر این صورت هرچه زاویه کرسی ترسیمی ما به کرسی کاتب نزدیک‌تر شود، بررسی ما نیز دقیق‌تر می‌گردد. بدین منظور چلیپای میرخلیل قلندر و یکی از چلیپاهای مربع مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد.^۱ لازم به ذکر است که چون بررسی‌های ارائه شده در مقاله استاد فلسفی فقط در مورد یک چلیپا از میرخلیل قلندر بود، در اینجا به دیگر آثار این هنرمند نپرداختم.

قطعه کریم‌زاده: چلیپای میرخلیل قلندر

«الف» منفرد	۸۲ درجه	۸۹ درجه	۸۷ درجه	۸۶ درجه
حرف «لام»	۸۹ درجه	۹۰ درجه	۹۰ درجه	

مربع مجلس: چلیپای «هرکه مهر تو بر صفحه جان ...»

«الف» منفرد	۹۰ درجه	۹۰ درجه	۸۷ درجه	۸۵ درجه	۸۶ درجه	۸۵ درجه	۸۸ درجه
حرف «لام»	۹۱ درجه						

زوایای «الف» منفرد و حرف «لام» در چلیپای میرخلیل قلندر بین ۸۲ تا ۹۰ درجه در نوسان است و زوایای «الف» منفرد و حرف «لام» در چلیپای منتخب از مربع بین ۸۵ تا ۹۱ درجه می‌باشد. در این جا مشاهده می‌شود که برای حرف «لام» زاویه نزدیک به عمود وجود دارد و این زاویه برای حرف «الف» منفرد زاویه حاده است و انتهای اکثر آنها به سمت چپ متمایل می‌باشد.* در مورد بند «ج» این گونه می‌توان نظر داد که قدر مسلم شباهت بین دوایر وجود دارد، اما با بزرگ‌نمایی و دقت در اجزای آنها مشخص می‌گردد که حرکت قلم در ابتدای دور دایره در چلیپای میرخلیل قلندر میل به سمت پایین دارد و در دوایر مربع میل به سمت داخل.

^۱ قدر مسلم نتیجه این کار نسبی خواهد بود، به خاطر اینکه نمی‌دانم کرسی ترسیمی نگارنده چقدر با کرسی مورد نظر کاتب تفاوت یا تطابق دارد.





ت ۲ ب.



ت ۲ الف.

همچنین تغییر زاویه قلم در حال حرکت (حرکت وضعی قلم) در دو دایره کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. تغییر زاویه قلم در دوایر چلیپای میرخلیل قلندر از همان ابتدا آغاز می‌شود، اما در مرقع این تغییر زاویه شدت کمتری دارد. در نتیجه، اختلاف محسوسی در قوس ابتدای دایره تاکف آن پدید آمده است. ضمن اینکه اندازه دوایر نسبت به دانگ قلم قابل تأمل می‌باشد.*

ت ۳ الف - ب

سر «میم» در کلمه «من»، به قلم میرخلیل قلندر، به صورت شش دانگ و رشید اجرا شده است، اما در مرقع مورد بحث از قوت قلم دزدیده شده و نتیجه کار به صورت فشرده‌تر در آمده است.*

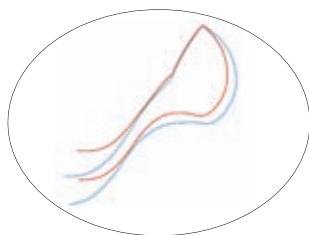
ت ۴ الف - ب



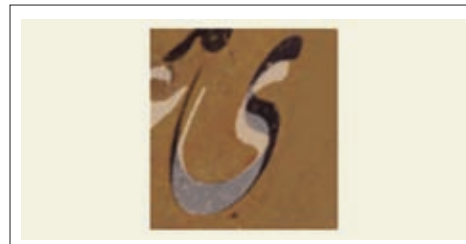
ت ۴ الف.



ت ۳ الف.



ت ۴ ب.



ت ۳ ب.

برای یافتن رابطه بین اجزای یک حرف یا یک کلمه راه‌های متفاوتی وجود دارد. در مورد بند «ح»، روش دیگری را ارائه می‌دهم که نتایج حاصل از آن دقیق‌تر است.

با یک خط، ابتدا و انتهای «ت» کشیده را به هم وصل کرده و از آن عمودی به میانه دو نقطه ترسیم می‌کنیم. این خط، کشیده مورد نظر را از وسط به دو بخش تقسیم می‌کند. این مورد در خط میرخلیل قلندر صدق می‌کند.*



ت ۵ ج.



ت ۵ ب.



ت ۵ الف.

تعداد ده کشیده «ت» در مرقع وجود دارد که نقطه آنها در چهار مورد در وسط، در پنج مورد در سمت چپ و در یک مورد در سمت راست قرار گرفته است.*

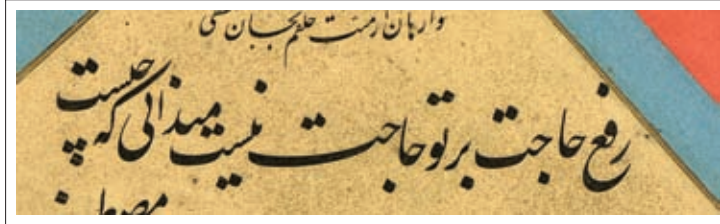
در موارد مطرح‌شده فوق سعی بر آن بود تا فصل مشترک بین خطوط میرخلیل قلندر و مرقع کتابخانه مجلس بررسی گردد. برخی از موارد بیان شده در مقاله مذکور از نگاه نگارنده قابل استناد نبوده، از جمله «ی» مقصوره در بند «ط»، که در این جا از بیان آنها صرف نظر شده است.

در ادامه، به بررسی تمایز خطوط مورد بحث می‌پردازیم. برخی از نکات شاخص این تمایز به شرح زیر است:
الف. از لحاظ خط زمینه و رعایت حریم آن میرخلیل قلندر بسیار با دقت عمل نموده، به نحوی که می‌توان چهار سطر موازی را در یک صفحه تشخیص داد که عناصر خوشنویسی با ظرافت فوق‌العاده‌ای در مسیر آن قرار گرفته‌اند، در حالی که در برخی از چلیپاهای مرقع، مسیر خط زمینه رعایت نشده و فاصله بین آنها دچار نوسان است.*



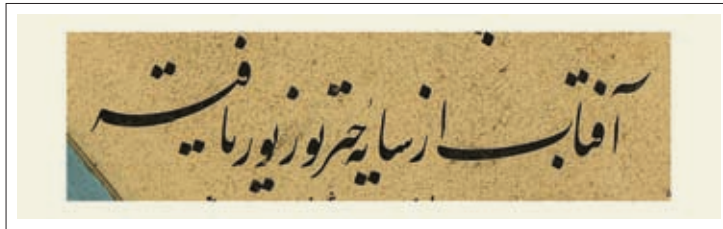
ت ۶: سطر اول در مسیر سه سطر دیگر قرار ندارد.

ب. چلیپای میرخلیل قلندر از حیث ترکیب‌بندی، رعایت کرسی کلمات نسبت به خط زمینه، رعایت فواصل بین حروف و کلمات و شناخت حسن همجواری و اعمال آن در صفحه به توفیق نسبتاً بالایی دست یافته است، اما موارد مذکور در چلیپاهای مرقع به طور دقیق و کامل رعایت نشده است. به عنوان مثال عدم رعایت کرسی و حسن همجواری و سوار کردن نامناسب حروف و کلمات سبب شده تا برخی از کلمات به طور نامناسبی نسبت به هم قرار گیرند، مانند کلمه «میدانی» در تصویر ۷.



ت ۷. ■

فاصله بین حروف و کلمات در چلیپاهای مرقع همواره در حال نوسان است و در برخی موارد کلمات بیش از حد به هم نزدیک می‌شوند.*



ت ۸. ■

و گاه فاصله آنها از حد متعارف فراتر می‌رود.*



ت ۹. ■

در این حالت مشاهده می‌شود که ریتم موجود در بین حروف و کلمات که ناشی از فواصل منظم بین آنهاست به هم می‌ریزد.

ج. برخی از کلمات و حروف مرقع، برخلاف چلیپای میرخلیل قلندر، به سمت چپ یا راست محور خود چرخیده‌اند. این اتفاق که ناشی از خام‌دستی بودن خوشنویس است نشان‌دهنده عدم تسلط وی بر صفحه است و عموماً این اتفاق در آثار چلیپایی حادث می‌شود.

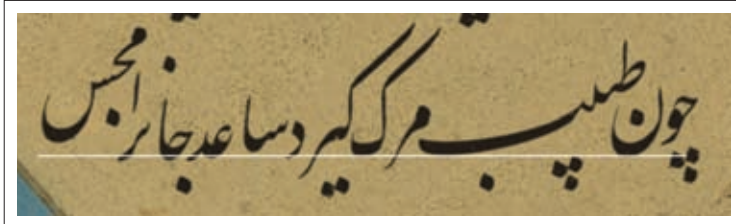
اگر خوشنویس در هنگام نوشتن نتواند خط زمینه را در حالتی ثابت و موازی با دید خود نگاه دارد و کاغذ به سمت چپ یا راست بچرخد، محور کلمات و حروف در خلاف جهت چرخش کاغذ قرار می‌گیرند.

در تصویر ۱۰، حرف «ی» حدوداً ۴ درجه به راست، کشیده «سین» در کلمه استحقاق ۲ درجه به چپ، حرف «ی» در کلمه مصطفی ۲ درجه به راست و حرف «سین» در انتهای سطر ۳ درجه به چپ چرخیده‌اند.

چرخش محور کلمات به سمت چپ یا راست سبب می‌شود محل فرود آنها بر خط کرسی تغییر کند. در تصویر ۱۱ مشاهده می‌شود که محل فرود حرف «ب» در کلمه «طیب» به انتهایی‌ترین بخش کشیده منتقل شده است.



ت ۱۰ ■



ت ۱۱ ■

برای بررسی این مورد، یک کشیده و یک دایره را که محور درستی دارند ملاک قرار داده، در یک چهار ضلعی محاط می‌کنیم. محل فرود کشیده و دایره را بر خط زیرین ملاک قرار داده و خطی عمود در آن قسمت ترسیم می‌کنیم تا محل فرود مشخص گردد. قرار دادن کشیده‌ها و دوایر در چهار ضلعی‌های مربوطه و تطبیق فرود آنها با خط عمودی، زاویه چرخش کشیده‌ها را به سمت چپ یا راست مشخص می‌کند.

د. میرخلیل قلندر نیز همانند اکثر خوشنویسان عهد صفوی رشیدنویس بوده و در بسیاری از اتصالات قلم را به صورت شش دانگ به کار می‌گرفته است. این مسئله در چلیپای مورد بحث، با ایجاد فاصله زیاد بین حروف و کلمات حالت شدیدتری به خود گرفته است. اما در خطوط مرقع، مدات، دوایر و سایر اتصالات دارای قامت جمع‌تری است، ضمن اینکه فاصله بین حروف و کلمات نیز در بسیاری موارد کم‌تر از حد متعارف می‌باشد.*



ت ۱۲ ■

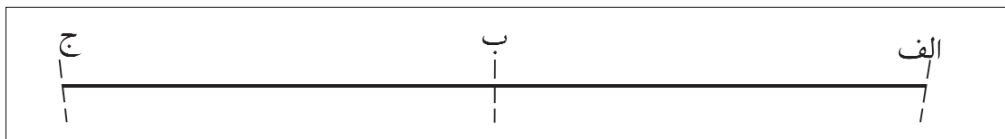
با توجه به نکات ذکر شده، موارد زیر نیز قابل طرح است:

۱. آیا خطوط مرقع مربوط به دوره صفوی است؟ یا از نظر زمانی به ما نزدیک‌تر است؟
۲. با توجه به توانایی بالای کاتب مرقع در اجرای مفردات و کلمات، چرا در ترکیب‌بندی توفیق چندانی نیافته است؟ می‌توان فرض کرد که کاتب مرقع به سیاه‌مشق‌نویسی و مشاقی علاقه بیشتری داشته و کمتر به نوشتن قطعه می‌پرداخته، به همین دلیل ساختار خط وی دارای عیار معقولی بوده اما از حیث ترکیب‌بندی هنوز به پختگی لازم نرسیده بوده است.

۳. اگر در هنگام نگارش فاصله چشم تا کاغذ از حد متعارف کم تر شود، خوشنویس در اجرای جزئیات موفقیت نسبی به دست می آورد، اما در برقراری روابط بین اجزای صفحه توفیق کمتری می یابد؛ آیا کاتب مرقع نیز چنین خصوصیتی دارد؟ آیا چرخش کلمات به چپ یا به راست ناشی از همین مورد است؟

۴. انحراف کلمات به چپ یا راست می تواند ناشی از آن باشد که کاتب در هنگام نوشتن، صفحه و آرنج دست خویش را ثابت نگاه داشته و دست را از قسمت میچ به سمت جلو حرکت می دهد، در نتیجه حرکت دست به سمت جلو در مسیر دایره ای، حول نقطه مرکزی آرنج، کلمات از محور اصلی خود خارج می شوند. برای آزمون مورد بالا، می توان تمرین زیر را انجام داد.

سه نقطه از خط کرسی را برای نوشتن یک حرف دایره ای در نظر می گیریم. *نقطه «ب» در مقابل چشم قرار دارد، بدون این که صفحه کاغذ را نسبت به دیدمان حرکت دهیم، حرف مورد نظر را در این سه نقطه می نویسیم. محور دایره هایی که در نقاط «الف» و «ج» قرار دارد به ترتیب نسبت به دایره نقطه «ب» به سمت راست و به سمت چپ متمایل می شوند.



■ ت ۱۳.

۵. اگر فرض کنیم که تمام این خطوط مربوط به میرخلیل قلندر باشد، فاصله زمانی خطوط مرقع با چلیپای مورد بحث چقدر می باشد؟ بر چلیپا متقدم است یا متأخر؟ و یا هم عصر آن می باشد؟ بنا بر موارد مطرح شده در بالا می توان گفت:

الف. برای اطمینان از صحت انتساب خطوط این مرقع به میرخلیل قلندر دلایل مستندتری لازم است. ب. اگر بنا بر دلایل استاد فلسفی بپذیریم که خطوط این مرقع از میرخلیل قلندر است، بر اساس موارد مطرح شده در این مقاله می توان در صحت آن تردید کرد.



قطعه خط خلیل الله (میرخلیل قلندر)، کتابت شده در رباط علاقه‌بند (از مجموعه موزه ملی ایران - به لطف آقای حمیدرضا قلیچ‌خانی).